

(وَمِنْ كَلَامٍ لَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ) فِي مَعْنَى طَلْحَةَ بِنِ عُبَيْدِ اللَّهِ: قَدْ كُنْتُ وَ مَا أُهْدِدُ بِالْحَرْبِ، وَلَا أُرْهَبُ بِالضَّرْبِ، وَأَنَا عَلَى مَا قَدْ وَعَدَنِي رَبِّي مِنَ النَّصْرِ، وَاللَّهُ مَا اسْتَعَجَلَ مُتَجَرِّدًا لِلطَّلَبِ بِدَمِ عَثْمَانَ إِلَّا خَوْفًا مِنْ أَنْ يُطَالَبَ بِدَمِهِ لِأَنَّهُ مَطْنَتُهُ، وَلَمْ يَكُنْ فِي الْقَوْمِ أَحْرَصُ عَلَيْهِ مِنْهُ، فَأَرَادَ أَنْ يُغَالِطَ بِمَا أَجْلَبَ فِيهِ لِيَلْتَبَسَ الْأَمْرُ وَيَقَعَ الشُّكُّ، وَاللَّهُ مَا صَنَعَ فِي أَمْرِ عَثْمَانَ وَاحِدَةً مِنْ ثَلَاثٍ. لَيْتَنُ كَانَ ابْنُ عَفَّانٍ ظَالِمًا كَمَا كَانَ يَزْعُمُ لَقَدْ كَانَ يَنْبَغِي لَهُ أَنْ يُوَازِرَ قَاتِلِيهِ، أَوْ يُنَابِذَ نَاصِرِيهِ، وَلَيْتَنُ كَانَ مَظْلُومًا لَقَدْ كَانَ يَنْبَغِي لَهُ أَنْ يَكُونَ مِنَ الْمُنْهَنِّهِينَ عَنْهُ، وَالْمُعْذِرِينَ فِيهِ، وَ لَيْتَنُ كَانَ فِي شَكٍّ مِنَ الْخِصْلَتَيْنِ لَقَدْ كَانَ يَنْبَغِي لَهُ أَنْ يَعْتَرِلَهُ وَيَرْكُدَ جَانِبًا، وَ يَدْعَ النَّاسَ مَعَهُ، فَمَا فَعَلَ وَاحِدَةً مِنْ الثَّلَاثِ، وَ جَاءَ بِأَمْرٍ لَمْ يُعْرِفْ بَابَهُ، وَلَمْ تَسَلِّمْ مَعَاذِيرَهُ.

درباره طلحه

افشا ادعاهای دروغین طلحه

تا بوده ام مرا از جنگ نترسانده، و از ضربت شمشیر نهراسانده اند، من به وعده پیروزی که پروردگارم داده است استوارم. بخدا سوگند! طلحه بن عبیدالله، برای خونخواهی عثمان شورش نکرد، جز اینکه می ترسید خون عثمان از او مطالبه شود، زیرا او خود متهم به قتل عثمان است، که در میان مردم از او حریصتر بر قتل عثمان یافت نمی شد، برای اینکه مردم را دچار شک و تردید کند، دست به

اینگونه ادعاهای دروغین زد، سوگند بخدا! لازم بود طلحه، نسبت به عثمان یکی از سه راه حل را انجام می‌داد که نداد. اگر پسر عفان ستمکار بود چنانکه طلحه می‌اندیشید، سزاوار بود با قاتلان عثمان همکاری می‌کرد، و از یاران عثمان دوری می‌گزید، و یا اگر عثمان مظلوم بود می‌بایست از کشته شدن او جلوگیری می‌کرد، و نسبت به کارهای عثمان عذرهای موجه و عموم‌پسندی را طرح کند (تا خشم مردم فرو نشیند) و اگر نسبت به امور عثمان شک و تردید داشت خوب بود که از مردم خشمگین کناره می‌گرفت و به انزوا پناه برده و مردم را با عثمان وامی‌گذاشت. اما او هیچکدام از سه راه حل را انجام نداد، و به کاری دست زد که دلیل روشنی برای انجام آن نداشت، و عذرهایی آورد که مردم‌پسند نیست.